

مطالعات اسلامی: تاریخ و فرهنگ، سال چهل و چهارم، شماره پیاپی ۸۹،
پاییز و زمستان ۱۳۹۱، ص ۹۹-۱۲۶

یادکرد از حسین بن روح نوبختی در منابع کهن* (سده‌های ۴ تا ۸ هجری)

دکتر طاهره عظیم زاده / استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد^۱

چکیده

منابع به حسین بن روح نوبختی (د ۳۲۶ ق/ ۹۳۸ م) از وابستگان خاندان نوبختی که در نزد شیعیان امامیه به عنوان نایب سوم امام دوازدهم شناخته شده است کمتر پرداخته و یا این که به ابعاد شخصیتی او اشاره نکرده اند. مسئله‌ای که این مقاله به بررسی آن می‌پردازد این است که آیا در منابع کهن اعم از نوشته‌های تاریخی، کلامی و حدیثی شیعه، کتاب‌های رجال و فرق به نیابت خاص او پرداخته‌اند یا خیر؟ به نظر می‌رسد به علت تقیه شدید او و شیعیان در آن زمان، در منابع تاریخی و شیعه معاصر او نیابت حسین بن روح مطرح نشده و تنها پس از مرگش به نیابت او اشاره شده است.

برای بررسی فرض مذکور ابتدا مطالبی که در کتاب‌های تاریخی درباره حسین بن روح در سده‌های ۴ تا ۸ هجری مطرح گردیده بررسی شده، سپس منابع حدیثی، کلامی امامیه و تاریخ‌های مربوط به اهل بیت در همین قرون مورد توجه قرار گرفته، آن گاه به کتاب‌های رجال و فرق پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: حسین بن روح نوبختی، اخبار الراضی و المتقی، صله تاریخ الطبری، اخبار الوکلاء اربعه، غیبت شیخ طوسی.

*. تاریخ وصول: ۱۳۹۰/۱۰/۲۷؛ تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۰/۱۲/۲۱.

اومه از زمان امام صادق (ع) نمایندگانی در شهرهای مختلف برای ارتباط با مردم انتخاب کردند که به فعالیت‌های مختلفی از جمله گردآوری خمس و زکات پردازند. شیخ طوسی در کتاب *الغیبه* (۳۵۱-۳۵۳) نام برخی از «المحمودین من وکلاء ائمه» و «المذمومین من وکلاء ائمه» را از دوران امام صادق تا زمان امام دوازدهم (ع) آورده است. این نشان می‌دهد نصب وکیل از طرف امامان، پیشینه طولانی داشته است؛ اما به اعتقاد شیعیان امامیه، با شروع غیبت صغری امام دوازدهم (ع) (۲۶۰ ق/ ۸۷۴ م) گذشته از وکیلان عام، چهار تن به نام‌های عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و علی بن محمد سمری به عنوان نایب خاص آن امام معرفی شدند.

حسین بن روح سومین نایب خاص و از علمای بزرگ امامیه، احتمالاً اهل قم (کشی، ۵۵۷؛ ذهبی، *تاریخ الاسلام*، ۱۹۰/۲۴)؛ و منطقه آبه بود^۱ که پس از درگذشت محمد بن عثمان در سال (۳۰۵ ق/ ۹۱۷ م) نایب امام گردید و تا زمان وفات (۳۲۶ ق/ ۸۷۴ م) مدت بیست و یک سال این مسئولیت را به عهده داشت. برای آشنایی با شخصیت و اقدامات او در تاریخ تشیع و از سوی دیگر با توجه به وجود این نظر که «از دیدگاه تاریخی اعتقاد به وجود نواب اربعه در آثار محدثان و علمای شیعه چند دهه اول دوران غیبت صغری» دیده نمی‌شود^۲، لازم است منابع کهنی که به او پرداخته‌اند و مطالب آنها مورد مطالعه قرار گیرد.

از خود حسین بن روح کتابی به دست ما نرسیده است که شرح حالش را بیان کند. مشهور است او کتابی به نام *التاویل* نوشته و برای بررسی نزد علمای قم فرستاد (طوسی، *الغیبه*، ۳۹۰). گویا این کتاب در زمینه فقه بود و مطلبی پیرامون زندگانی حسین بن روح نداشت. در بین آثار گذشتگان کتابی اختصاصی به نام حسین بن روح دیده نشده ولی چندین کتاب درباره نواب اربعه وجود دارد که در آن از حسین بن روح هم یاد شده است. از نخستین نوشته‌ها که اختصاص به نواب داشته، کتابی است به نام *کتاب اخبار الوکلاء الاربعه* از ابو عبدالله احمد بن محمد بن عیاش (د ۴۰۱ ق/ ۱۰۱۰ م) (طوسی، *الفهرست*، ۷۹؛ آقا بزرگ طهرانی، ۳۵۳/۱)، از این

^۱ آبه در نزدیکی قم و از قرای ساوه که ساکنین آن شیعه بودند (یاقوت، ۵۰/۱). شیخ صدوق (*کمال‌الدین*، ۵۰۳) و شیخ طوسی (*الغیبه*، ۳۲۱) از سخن گفتن او به لهجه آبه ای یاد کرده‌اند.

^۲ ورنه کلم (Verena Klemm) استاد و رئیس موسسه مطالعات عربی دانشگاه لایپزیک آلمان در مقاله "the Deputies of Mahdi" vol XIV, PP143-144 چنین نظری را اعلام کرده همینطور ساشادینا (Sachedina, 86) استاد مطالعات مذهبی دانشگاه ویرجینیا معتقد است تعداد وکلا محدود به چهار تن نبوده و اصطلاح نیابت خاص در دوره‌های بعد برای تبیین غیبت صغری ایجاد شده است.

کتاب نسخه‌ای به دست نیامده است اما اخباری از نویسنده آن در کتاب *الغیبه* (۳۰۲-۳۰۴) طوسی دیده می‌شود که معلوم نیست از همین کتاب اوست یا خیر. کتاب دیگری هم به نام *اخبار الوکلاء الاربعه* توسط احمد بن نوح السیرافی (د ۴۱۵ ق/ ۱۰۲۴ م) در سده چهارم هجری نوشته شده است، این کتاب نیز مفقود گردیده و تنها قسمت‌هایی از آن در کتاب *الغیبه* شیخ طوسی نقل شده که به آن اشاره خواهیم کرد. در سده‌های بعد هم، منابع تاریخی و شیعه کمتر به نواب اربعه و حسین بن روح پرداختند؛ البته در عصر حاضر چندین کتاب و مقاله پیرامون نواب نوشته شده که به بحث ما مربوط نیست.

حسین بن روح نوبختی در منابع تاریخی

از نویسندگان سده چهارم هجری، مسعودی (د ۳۴۵ یا ۳۴۶ ق) معاصر با حسین بن روح بوده است ولی در کتابهای موجود او چون *مروج الذهب و التنیه و الاشراف* در بحث خلافت مکتفی تا راضی که معاصر با حسین روح بودند سخنی در مورد ابن روح مطرح نشده است. البته در این دوره هنوز اندیشه نواب اربعه مطرح نبوده است؛ از طرفی دیگر مسعودی اوائل عمرش در بغداد بوده و بعد بیشتر در سفر به سر برده و سرانجام در فسطاط مصر از دنیا رفته است.

به نظر می‌رسد نخستین مورخی که از حسین بن روح خبر می‌دهد و معاصر او بوده، ابوبکر محمد بن یحیی صولی (د ۳۵۲ ق/ ۹۴۶ م) است. قسمتی از کتاب *اوراق*، «اخبار *الراضی بالله و المتقی لله او تاریخ الدوله العباسیه بین سنه ۳۲۲ الی ۳۳۳ من کتاب الاوراق*» را ج. هیورث دن^۱ در سال (۱۳۵۴ ق / ۱۹۳۵ م) چاپ کرده. در این کتاب صولی ضمن بیان اخبار دو خلیفه راضی و متقی، آگاهی‌هایی پیرامون حسین بن روح در دوران خلافت راضی (۳۲۹-۳۲۲ ق/ ۹۴۱-۹۳۴ م) به دست می‌دهد. وی از شکوه و جلال و مقام والای حسین بن روح در این زمان یاد می‌کند تا آنجا که ابو علی بن مقله وزیر در سال ۳۲۵ ق/ ۹۳۵ م به حسین بن روح متوسل شد تا در مورد اصلاح کارش با ابوعبدالله حسین بن علی نوبختی، کاتب محمد بن رائق امیر الامرای زمان راضی، گفتگو کند و ابوعبدالله مشکل او را که تصرف اموالش به وسیله محمد بن رائق بود حل کند (صولی، ۸۷). ظاهراً کسانی به گوش راضی

1 . J. Heyworth Duen

رسانده بودند که امامیه خمس اموالشان را به ابن روح می‌دهند اما راضی این را اتهام دانسته و باور نداشت. صولی می‌نویسد: «راضی همیشه به ما می‌گفت؛ بی میل نیستم که هزار نفر مثل حسین بن روح وجود داشت و امامیه اموال خود را به ایشان می‌بخشیدند تا خداوند به این وسیله آن طایفه را نیازمند می‌کرد. توانگر شدن امثال حسین بن روح از گرفتن اموال امامیه چندان مرا ناپسند نمی‌آید» (همو، ۱۰۴).

ارتباط بین امامیه و حسین بن روح در زمان راضی مطرح بوده است و صولی نیز از آن آگاه بوده ولی از قول خلیفه آن را رد کرده است. صولی ابتدا آموزگار راضی سپس ندیم او گردید؛ بعدها در بصره پنهانی وفات یافت زیرا به نوشته ابن الندیم (۱۶۷) درباره علی (ع) خبری روایت کرد که سنی و شیعه در جستجوی او برآمدند تا او را بکشند. صولی شاگرد ابو سهل نوبختی متکلم بزرگ امامیه بود که با حسین بن روح در ارتباط بود و نیابت او را قبول داشت (اقبال، ۱۰۶). ممکن است صولی خبر نداشته که حسین بن روح از امامیه و نایب امام دوازدهم است. اگر این مطلب درست باشد، معلوم می‌شود که حسین بن روح به شدت تقیه می‌کرده است تا آنجا که فردی مثل صولی که اهل علم و ادب و شاگرد ابو سهل نوبختی بود، قبول نداشته است که حسین بن روح از امامیه باشد. البته این امکان وجود دارد که صولی خود گرایش شیعه داشته و چون حسین بن روح شیعه بودن خود را در نزد عموم مخفی می‌کرده، نخواسته در این باره سخنی بگوید.

منبع کهن تاریخی دیگر که خبری پیرامون حسین بن روح آورده کتاب *صله تاریخ الطبری* عریب بن سعد قرطبی (د ۳۷۰ ق / ۹۸۰ م) است. وی در بیان اخبار سال ۳۱۷ ق / ۹۲۸ م نوشته که کودتایی بر ضد خلافت مقتدر (خ ۳۲۰-۲۹۵ ق / ۹۳۱-۹۰۷ م) رخ داد و توضیح داده که از کسانی که در پی کودتا از زندان آزاد شدند حسین بن روح بود (قرطبی، ۹۸) ولی تاریخ دستگیری او را نیاورده است. در مورد علت دستگیری هم نوشته در رابطه با اموالی بود که دیوان از وی مطالبه کرد (همو، ۹۹). وی مقدار اموال و علت مطالبه و راوی خود را نیاورده است. به نظر می‌رسد جمع شدن اموال شیعیان نزد حسین بن روح سبب گردید حکومت به طمع بیفتد و خواهان مصادره اموال او گردد. عریب بن سعد با وجود اینکه با مسئله امام دوازدهم آشنا بوده به شیعه بودن و نمایندگی حسین بن روح اشاره‌ای ندارد (همانجا).

از کتاب‌های تاریخی مهم سده پنجم هجری *تجارب الامم* ابن مسکویه (د ۴۲۱ ق / ۱۰۳۰

م) است. ابن مسکویه اهل ری بود در بغداد به آلبویه پیوست و همنشین ابو محمد مهلبی وزیر معزالدوله دیلمی گردید (ابن مسکویه، ۱۷۰/۶). مدتی در خدمت ابوالفضل بن عمید وزیر رکن الدوله و کتابدار کتابخانه او در ری بود (همو، ۳۱۵/۶). سپس در شیراز به عضد الدوله پیوست و کتاب *تجارب الامم* را به نام او نوشت. با توجه به سوابق ابن مسکویه مشخص است که با عقاید و نظریات تشیع آشنایی داشته است. در کتاب *تجارب الامم* نامی از حسین بن روح نیامده ولی درباره شلمغانی که ابتدا یکی از یاران و نماینده حسین بن روح بود و بعد به حلول و تناسخ گروید و به وسیله حسین بن روح طرد شد، اطلاعات مفیدی آمده است. ابن مسکویه از نفوذ عقاید شلمغانی در دربار نیز اخبار جالبی می‌دهد (همو، ۱۸۶/۵).

در منابع سده ششم هجری، ابن جوزی (د ۵۹۷ ق) که در بغداد می‌زیسته و در آن شهر وعظ می‌کرده در *المنتظم* در ذیل وفیات سال ۳۲۶ ق به رغم اینکه به درگیری‌های مذهبی در بغداد توجه داشته است نامی از ابن روح نمی‌برد. در کتاب‌های *اخبارالدول المنتظمة* (تاریخ *الدوله العباسیه*) از علی بن ظافر ازدی (د ۶۱۳ ق) ذیل تاریخ خلافت مکتفی تا راضی و الانبیا *فی اخبار الخلفاء* محمد بن علی عمرانی (د. ح ۶۲۰ ق) (ابن عمرانی، ۱۱۵-۱۳۳؛ ابن ظافر، ۲۱۰-۲۴۲) مطلبی درباره حسین بن روح نیامده است. البته این کتاب بیشتر به دولت‌های محلی پرداخته در ضمن همه مطالب ابن ظافر به چاپ نرسیده است. کتاب ابن عمرانی هم بسیار مختصر است و به جزئیات کمتر پرداخته است.

در بین نویسندگان کتاب‌های تاریخی سده‌های ششم و هفتم هجری که آثارشان به دست آمده احتمالاً ابن اثیر (د ۶۳۰ ق/۱۲۳۳ م) نخستین نویسنده‌ای است که به روشنی ذکر کرده که حسین بن روح بنا به اعتقاد امامیه نایب سوم امام دوازدهم است. در زمان ابن اثیر، اندیشه نواب اربعه به روشنی شکل گرفته، از طرفی حکومت عباسیان رو به ضعف نهاده بود و شیعیان کمتر تقیه می‌کردند. وی ضمن بیان وقایع سال ۳۰۵ ق/۹۱۷ م که از درگذشت محمد بن عثمان نایب دوم خبر داده، این مطلب را اظهار می‌دارد (ابن اثیر، ۱۰۹/۸). او از روابط بین شلمغانی و حسین بن روح و عقاید و رفتار شلمغانی هم گزارش مفصلی ارائه کرده است و نوشته اولین بار حسین بن روح ارتداد شلمغانی را اعلام کرد و بعد اهل سنت به مخالفت با او برخاستند (همو، ۲۹۰/۸). این احتمال وجود دارد که ابن اثیر اطلاعات خود را از کتاب *تاریخ الامامیه* نویسنده معاصر خود، یحیی بن ابی طی، گرفته باشد (حسین، ۳۰).

یحیی بن حمید مشهور به ابن ابی طی (د ۶۳۰ ق/ ۱۲۳۲ م)، از خاندان‌های شیعه مذهب حلب بود. او با فقه امامیه آشنا بود و دارای کتاب‌های بسیاری است که برخی از آنها نشان دهنده گرایش او به تشیع است، زرکلی از کتاب *تاریخ الامامیه* او یاد کرده که در چند جلد بوده است (زرکلی، ۱۴۴/۸). مطالب مربوط به حسین بن روح احتمالاً در همین کتاب آمده که ضمن چند صفحه به احوال حسین بن روح پرداخته است. در این کتاب مشخص شده که ابن روح نایب امام دوازدهم (ع) بوده است.

همان طور که ذکر شد در سده هفتم هجری تعصبات بین شیعه و سنی کم شده بود و نویسندگان، امکان این را یافتند که به معرفی شخصیت‌های شیعه پردازند. کتاب ابن ابی طی به دست نیامده است ولی مطالب او در کتاب‌های ذهبی و صفدی آمده است که به آن اشاره خواهد شد.

ابن خلکان (د ۶۸۱ ق/ ۱۲۸۲ م) در کتاب *وفیات الاعیان* (۲/ ۱۵۵) از رسوایی شلمغانی به وسیله حسین بن روح سخن گفته و آورده است که امامیه به او باب می‌گویند.

محمد بن احمد ذهبی (د ۷۴۸ ق/ ۱۳۴۶ م) که دارای تألیفات متعددی به ویژه در زمینه تاریخ است گزارش مفصلی در رابطه با حسین بن روح دارد. در کتاب *دول الاسلام* (۱۷۷) به هنگام معرفی شلمغانی خبری هم از حسین بن روح آورده و او را زعیم رافضیان و رسوا کننده شلمغانی معرفی می‌کند. ذهبی در کتاب *دیگرش، سیر الاعلام النبلاء* (۱۵/ ۲۲۲)، مطالبی را عنوان کرده است که در کتاب‌های تاریخی دیگر حتی منابع شیعه موجود نیست. او مطالب خود را از کتاب تاریخ ابن ابی طی حلبی گرفته است. وی ذیل عنوان باب، حسین بن روح بن بحر را یکی از ابواب صاحب‌الزمان منتظر اعلام کرده است و به روابط بین محمد بن عثمان (نایب دوم) و حسین بن روح و چگونگی انتخاب حسین بن روح به عنوان نایب سوم پرداخته و درباره دستگیری او مطالب ارزنده‌ای در اختیار خواننده می‌گذارد. ذهبی از قول ابن ابی طی نوشته است که اولین کسی که اجازه ورود بر محمد بن عثمان پیدا کرده ابوالقاسم حسین بن روح بود. با مرگ سفیر دوم، حسین بن روح به دارالنیا به بغداد رفت و خادم محمد بن عثمان بر اساس سفارشی که به او شده بود عصا و کلید صندوقچه سفیر دوم را به حسین بن روح تحویل داد، سپس آورده است که حسین بن روح پیوسته مورد احترام بود تا حامد بن عباس وزیر شد. در این زمان حسین بن روح دستگیر و زندانی گردید و پنج سال در زندان بود. ذهبی

نقل کرده زمانی که با مقتدر به هنگام آزاد شدن از زندان (۳۱۷ ق/ ۹۲۹ م) از حسین بن روح سخن گفتند، گفت او را رها کنید که هر بلایی بر سرما آمد از خطاکاری او بود (همان، ۲۲۴/۱۵). در ادامه آورده است که «گفته شده است حسین بن روح با فرامطه مکاتبه می کرد که به بغداد بیایند و آن جا را محاصره کنند» همچنین به اموالی که امامیه به او می دادند هم پرداخته و او را مفتی رافضیان شمرده که جلالت عجیبی داشت (همانجا). ذهبی در کتاب تاریخ الاسلام (۱۹۰/۲۴) در ذیل وفیات سال ۳۲۶ هجری با عنوان «الحسین بن روح بن بحر، ابوالقاسم القینی یا القمی» شبیه همین مطالب را آورده است. کتاب دیگر ذهبی العبر است که در آن آمده است که اولین بار حسین بن روح ارتداد شلمغانی را اعلام کرد (۱۹۰/۲).

صفدی (د ۷۶۴ ق/ ۱۳۵۴ م) معاصر ذهبی، در کتاب الوافی بالوفیات (۲۲۶/۲۲) در ذیل «ابوالقاسم الشیعی الحسین بن روح بن بحر» مطالبی از قول ابن ابی طی مانند ذهبی ذکر کرده و در جلد چهارم همان کتاب (ص ۱۸) ذیل شلمغانی اظهار داشته است که حسین بن روح که رافضیان او را «باب صاحب الزمان» می دانند امر شلمغانی را آشکار کرد.

جدول ۱. اطلاعات مربوط به حسین بن روح در منابع تاریخی

موضوع	نام کتاب	تاریخ درگذشت	نویسنده
۱. قدرت و نفوذ حسین بن روح در زمان خلیفه راضی ۲. رضایت راضی از حسین بن روح و هراس نداشتن از این که امامیه اموال خود را به او بدهند (اتهام دانستن این مطلب).	اخبار الراضی و...	۳۵۲ ق/ ۹۶۴ م	۱. ابوبکر محمد صولی
۱. آزاد شدن حسین بن روح از زندان در سال ۳۱۷ ۲. علت دستگیری حسین بن روح: اموالی که دیوان از او می خواست.	صلة تاریخ الطبری	۳۷۰ ق/ ۹۸۰ م	۲. عریب بن سعد قرطبی

<p>۱. جانشین شدن حسین بن روح پس از محمد بن عثمان</p> <p>۲. نایب سوم امام دوازدهم (ع) بودن ابن روح</p> <p>۳. رابطه حسین بن روح با شلمغانی و آشکار کردن ارتداد او</p>	<p>الکامل</p>	<p>۶۳۰ ق/ ۱۲۳۳ م</p>	<p>۳. ابن اثیر</p>
<p>مطالب درباره حسین بن روح داشته است و این اثر او به دست نیامده ولی ذهبی و صفدی قسمت‌هایی از آن را در آثار خود آورده‌اند.</p>	<p>تاریخ الشیعه یا تاریخ الامامیه</p>	<p>۶۳۰ ق/ ۱۲۳۳ م</p>	<p>۴. ابن ابی طی</p>
<p>۱. حسین بن روح باب امامیه</p> <p>۲. رسوا کننده شلمغانی</p>	<p>وفیات الاعیان</p>	<p>۶۸۱ ق/ ۱۲۸۲ م</p>	<p>۵. ابن خلکان</p>
<p>۱. حسین بن روح از ابواب امام دوازدهم</p> <p>۲. نزدیک به محمد بن عثمان</p> <p>۳. زندانی شدن به مدت پنج سال از زمان حامد بن عباس وزیر</p> <p>۴. سخن مقتدر هنگام آزاد کردن حسین بن روح</p> <p>۵. دعوت کردن قرامطه به بغداد</p> <p>۶. امامیه اموال خود را به او می‌دهند.</p> <p>۷. روشن کننده ارتداد شلمغانی.</p>	<p>۱. دول الاسلام</p> <p>۲. سیر اعلام النبلاء</p> <p>۳. تاریخ الاسلام</p> <p>۴. العبر</p>	<p>۷۴۷ ق/ ۱۳۴۷ م</p>	<p>۶. ذهبی</p>
<p>همان مطلب ذهبی از قول ابن ابی طی</p>	<p>الوافی بالوفیات</p>	<p>۷۶۴ ق/ ۱۳۶۲ م</p>	<p>۷. صفدی</p>

بنا بر جدول شماره یک در منابع تاریخی مورد بررسی:

۱. در سده چهارم هجری اطلاعاتی از حسین بن روح وجود دارد ولی به نیابت او اشاره نشده است.
۲. در کتاب‌های تاریخی سده‌های پنجم و ششم هجری به حسین بن روح نپرداخته‌اند.
۳. در نیمه اول سده هفتم هجری عنوان نایب بودن حسین بن روح صریحاً مطرح بود و در آثار سده هشتم اطلاعات بیشتری از حسین بن روح آمده است.

حسین بن روح در منابع حدیثی و کلامی امامیه

در منابع حدیثی و کلامی کهن امامیه شرح حال مفصلی از حسین بن روح نیامده است. چنان که کلینی (د ۳۲۹ ق / ۹۴۰ م) که معاصر با حسین بن روح است در کتاب خود نامی از او نبرده اما از ابو عمرو عثمان بن سعید عمری نایب اول و پسرش تحت عنوان کسانی که امام دوازدهم (ع) را دیده‌اند نام برده و آنها را مورد اعتماد دانسته است (کلینی، ۱/۳۳۰). البته کلینی به نیابت آن دو اشاره نکرده است. در کتاب *الغیبه* محمد بن ابراهیم بن جعفر ملقب به کاتب نعمانی و مشهور به ابن ابی زینب که در آغاز غیبت کبری (۳۲۹ ق / ۹۴۰ م) نوشته شده نام نواب اربعه از جمله حسین بن روح نیامده است، فقط اشاره شده که در دوران غیبت صغری سفیرانی میان امام و مردم بودند که از جانب آن حضرت منصوب شده و پاسخگوی مطالب مبهم و پیچیده مردم بودند (نعمانی، ۱۷۹). ممکن است این به دلیل تقیه شیعیان در آن زمان بوده است، می‌دانیم که نایب دوم، محمد بن عثمان، مخفیانه با نمایندگان خود ارتباط برقرار می‌کرد و می‌کوشید هیچ رد پایی به مقامات دولتی نشان ندهد (حسین، ۱۷۴) و ابن روح از علنی شدن عقایدش حتی در مورد معاویه بشدت پرهیز می‌کرد (طوسی، *الغیبه*، ۳۸۶) در این زمان شیعیان وظیفه داشتند نام امام دوازدهم را هم مخفی کنند چه برسد به اینکه پیرو یا نایب او را معرفی نمایند. اتهام قرمطی‌گری که ابن روح را هم پنج سال به زندان کشاند (ذهبی، *سیر اعلام النبلاء* ۲۲۴/۱۵) عامل دیگری در پنهان کردن عقاید شیعیان بود. سوالات متعدد شیعیان در مسئله غیبت هم نویسندگان شیعی را به جای پرداختن به تکاپوهای نواب امام به پاسخ‌گویی به پرسش‌هایی پیرامون غیبت می‌کشاند.

شیخ صدوق (د ۳۸۱ ق / ۹۹۹ م) یکی دیگر از علمای مشهور امامیه است که کتاب *کمال*

الدین و تمام النعمه را در مورد امام دوازدهم نوشته است. وی در این کتاب به نقل توقیعات امام دوازدهم پرداخته و ضمن آن مطالبی درباره حسین بن روح آورده است. مطالب شیخ صدوق از چند جهت اهمیت دارد؛ یکی این که پدرش، علی بن بابویه، از فقهای بزرگ دوران غیبت صغری بود که با حسین بن روح ارتباط مستقیم داشت و نماینده امام دوازدهم (ع) در قم بود. دیگر این که چون سن او را هنگام مرگ هفتاد و چند سال ذکر کرده‌اند تولد او باید بین سالهای ۳۰۱ تا ۳۱۰ ق/ ۹۱۳ تا ۹۲۲ م باشد و به علت ارتباط پدرش با حسین بن روح احتمالاً وی در نوجوانی، حسین بن روح را ملاقات کرده و یا از او اطلاع داشته است. صدوق طبعاً بسیاری از اخبار را خود بدون واسطه یا به واسطه پدرش شنیده است و بیشتر مطالبی که نقل می‌کند مورد وثوق است. اهمیت دیگر کتاب *کمال الدین و تمام النعمه* در این است که از آثار مفقود شده‌ای چون کتاب‌های ابن قبه و ابو سهل اسماعیل بن علی نوبختی، مطالبی را مستقیم نقل کرده است. در ضمن در زمان شیخ صدوق آل‌بویه در ایران و بغداد به حکومت رسیدند و اجازه دادند پیروان مذاهب مختلف به ویژه شیعه فعالیت و عقاید خود را اظهار کنند. صدوق از حسین بن روح به نام‌های «الشیخ» (کمال الدین، ۴۸۹)، «ابی القاسم الروحی» (همان، ۵۱۹، ۵۰۲)، «ابی القاسم بن روح» (همان، ۵۰۴) یاد کرده و از او اخباری آورده است. صدوق در مقایسه با گذشتگان بیشتر به حسین بن روح پرداخته و مطالب متنوعی درباره او نقل کرده است، از آن جمله:

- نام وکلای امام زمان (ع) را آورده و حسین بن روح را سومین نایب ذکر کرده است (همان، ۴۳۲). بر این اساس مشخص است که در زمان شیخ صدوق (۳۰۱ تا ۳۸۱ ق) نیابت خاص و تعداد نواب مطرح بوده است و این خلاف نظر ساشادیناست که معتقد است صدوق به نیابت خاص اشاره ندارد (Sachedina, 86).

- نوشته است محمد بن عثمان قبل از مرگش سفارش کرده بود اموال را به حسین بن روح تحویل دهند (صدوق، کمال الدین، ۵۰۲).

- درخواست پدرش علی بن حسین بن بابویه را آورده که به وسیله حسین بن روح از صاحب‌الزمان درخواست فرزندی پسر کرد و محمد بن علی (شیخ صدوق) متولد شد (همان، ۵۰۳).

- صحبت حسین بن روح با زنی از اهل آبه با زبان آبه ای را ذکر کرده است

(همان، ۵۰۳).

- آورده است که محمد بن عثمان مأمور شد تا به حسین بن روح وصیت کند (همانجا).
 - کمک مالی به شیعیان و دادن کفن به آنان از طرف امام عصر (همان، ۵۰۵) را گزارش کرده است.

- نمونه‌هایی از کرامات حسین بن روح را آورده است (ص ۸-۵۱۶، ۵۱۹).
 - پاسخ دادن به سوال کسی که در مورد امام حسین (ع) و قاتل او پرسید (۵۰۷). صدوق در کتاب *علل الشرایع* (۲۴۱/۱) هم این مطلب را آورده و در ادامه از حسین بن روح روایتی نقل کرده که اگر از آسمان بیفتم و پرنده‌ای مرا برآید یا بادی شدید از جای بلندی مرا به زیر افکند (یعنی به سخت‌ترین بلاها گرفتار شوم) نزد من محبوب‌تر است تا در دین خدا از پیش خود سخن بگویم بلکه آنچه می‌گویم از جانب امام است (صدوق، *علل الشرایع*، ۱/۲۴۳). در کتاب *معانی الاخبار* (۲۸۶) هم شیخ صدوق جواب ابن روح را در مورد اسلام ابوطالب آورده است. عالم دیگر شیعه در سده چهارم و پنجم هجری شیخ مفید (د ۱۰۲۲/۴۱۳ ق) است. وی در کتاب *الفصول العشره فی الغیبه* که مخصوص امام دوازدهم است بحثی در مورد نواب ندارد و بیشتر به سوالاتی که در زمینه غیبت است می‌پردازد. در کتاب *الارشاد* (۲/۳۸۸-۳۳۹) که به زندگانی ائمه پرداخته است، به غیبت امام دوازدهم توجه کرده ولی بحث مستقلی درباره نواب ندارد. در کتاب *المسائل الصاغانیه* (۵۶) نام سفیران و کسانی که ادعای سفارت داشتند را آورده و بسیار کوتاه از نایب دوم و حسین بن روح به عنوان سفیران ثقه یاد کرده است. با وجود آن که شیخ مفید در آثارش از نواب اربعه نام نمی‌برد، اما در کتاب *اوائل المقالات* (۶۹) ظهور کرامت از نواب را می‌پذیرد ظاهراً شیخ مفید در جایی درباره نواب سخن گفته زیرا چنانچه خواهیم دید شیخ طوسی روایت‌هایی از قول او درباره حسین بن روح نقل کرده که در کتاب‌های مفید دیده نشده است.

کتاب اخبار الوکلاء الاربعه ابن نوح

به نظر می‌رسد مهم‌ترین و مفصل‌ترین کتابی که امامیه پیرامون حسین بن روح نوشته‌اند، کتاب *اخبار الوکلاء الاربعه* (نجاشی، ۸۷) یا *اخبار الابواب* (طوسی، *الفهرست*، ۸۴) است که نویسنده آن ابوالعباس احمد بن علی بن احمد بن عباس بن نوح معروف به ابن سیرافی (د ۴۱۵ ق/

۱۰۲۴ م) (آقا بزرگ، ۳۵۳/۱) محدث، رجال شناس و فقیه امامی سده‌های ۴ و ۵ ق/ ۱۰ و ۱۱ م است (انصاری، ۶۱/۵). وی در بصره می‌زیست. نجاشی او را استاد و شیخ خود خوانده و از او در کتاب رجالش مطالب بسیاری نقل کرده است (۳۷۶، ۳۵۰، ۳۴۷، ۸۶). ظاهراً ابن نوح هم درباره کتاب‌هایش به نجاشی وصیت کرده بود (خوئی، ۶۷/۷). شیخ طوسی (المهرست، ۸۴)، ابن نوح را ثقه می‌خواند، اما آورده است که وی در اصول مذهب عقاید فاسدی مانند قول به رؤیت داشته است. کتاب اخبار الکلاء الاربعه به دست نیامده ولی اطلاعات با ارزشی درباره نواب داشته که شیخ طوسی در کتاب الغیبه نقل کرده است. شیخ طوسی از قول ابن نوح علاوه بر نواب اربعه، درباره کسانی که ادعای دروغی نیابت امام زمان (ع) داشته‌اند از جمله محمد بن نصیر نمیری (طوسی، الغیبه، ۳۹۸)، حلاج (همان، ۲-۴۰۱) و شلمغانی تحت عنوان ابن ابی العزاقر (همان، ۴۰۳) مطالبی ذکر کرده است. ابن نوح توفیق امام دوازدهم (ع) بر ضد شلمغانی را که توسط حسین بن روح صادر شده بود، آورده است. همین طور حکایت‌های زشت و کارهای ناپسندی از شلمغانی نقل کرده که شیخ طوسی کتاب الغیبه را پاکیزه‌تر از آن دانسته که آنها را ذکر کند (همان، ۴۰۶).

حسین بن روح در کتاب الغیبه شیخ طوسی

از میان علمای شیعه بیشترین مطالب درباره حسین بن روح را شیخ طوسی (د ۴۶۰ ق/ ۱۰۶۷ م) در کتاب الغیبه آورده است. طوسی نماز (مصباح المتهجد، ۸۱۶) و دعایی (همان، ص ۸۲) هم از حسین بن روح نقل کرده و در کتاب تهذیب الاحکام (۱۱۷/۶) زیارت نواب خاص را از قول حسین بن روح آورده است. وی در کتاب الغیبه که در سال ۴۴۷ هجری تألیف کرده مطالبی را به حسین بن روح اختصاص داده و در بحث توقیعات هم از او یاد کرده است. مطالب شیخ طوسی از منابع و اشخاص مختلفی گرفته شده است. یکی از منابع او شیخ صدوق است. معمولاً خبرهایی که از شیخ صدوق نقل کرده با لفظ «اخبرنی جماعه» (الغیبه، ۳۲۱، ۳۲۳، ۳۲۴) یا «اخبرنا جماعه» (همان، ۳۲۰، ۹-۳۱۷) است؛ همین طور مطالبی از برادر شیخ صدوق حسین بن علی آورده است. از جمله مطالبی که شیخ طوسی از شیخ صدوق آورده می‌توان به این اخبار اشاره کرد:

- صحبت بازن آبه ای به زبان خودش (همان، ۳۲۱).

- درخواست فرزند از سوی علی بن حسین بن بابویه توسط حسین بن روح از امام دوازدهم (ع) (همان، ۳۲۰). این روایت را از ابن نوح نیز آورده است.

- سخن حسین بن روح که اگر از آسمان فرو افتم و پرنده مرا بریاید سخنی از پیش خود نمی‌گویم (همان، ۳۲۲، ۳۲۶).

- پرسش از او در مورد قاتل امام حسین (ع) (همان، ۳۲۴).

- دستور محمد بن عثمان برای تحویل دادن اموال به حسین بن روح (همان، ۳۷۰).

- خبر مربوط به درخواست کمک ابوالحسن عقیقی از وزیر علی بن عیسی بن جراح و عدم کمک او و یاری کردن ابن روح (همان، ۳۱۷).

- پیام امام دوازدهم (ع) توسط حسین بن روح به کسی که در جستجوی امام بود با این مضمون که عاقبت این کار راهنمایی کردن دشمن به امام است و سرانجام این فرد مشرک شدن است (همان، ۳۲۳).

شیخ طوسی از حسین بن علی بن حسین، برادر شیخ صدوق هم روایتی در کتاب الغیبه (۳۲۲) آورده که نشان دهنده کرامت حسین بن روح است، زیرا او اجازه رفتن به حج را به گروهی از اهل قم نداد و آنان بعد از آن متوجه شدند که به خاطر شورش قرامطه بوده است.

افراد دیگری که شیخ طوسی با عبارت «اخبرنی» یا «اخبرنا جماعه» از آنها نقل کرده، ابوعبدالله احمد بن محمد بن عیاش (د ۴۰۱ ق/ ۱۰۱۱ م) و ابو محمد هارون بن موسی تلعبری (د ۳۵۸ ق/ ۹۹۵ م) و ابو غالب زراری‌اند (د ۳۸۶ ق/ ۹۹۶ م). ابوعبدالله احمد بن محمد بن عیاش، عالم امامی و اهل بغداد (زرکلی، ۲۱۰/۱) و معاصر شیخ طوسی بود. طوسی در کتاب الفهرست (۷۹) تعدادی از کتاب‌های او از جمله مقتصب الاثر فی عدد الائمة الاثنی عشر و کتاب اخبار وکلاء الائمة الاربعه را نام برده است، ولی مشخص نیست که آیا از کتاب اخبار وکلاء در کتاب الغیبه استفاده کرده است یا خیر. شیخ طوسی از قول ابوعبدالله احمد بن محمد عیاش، مخفی شدن حسین بن روح و جانشینی شلمغانی در این ایام همچنین نامه دوست ابو غالب زراری را که از همسرش شکایت داشت را به امام دوازدهم و جواب ایشان توسط حسین بن روح را آورده است^۱ (طوسی، الغیبه، ۴-۳۰۲). شیخ طوسی از ابو محمد

۱. این خبر در دو جای دیگر کتاب الغیبه (۷-۳۰۴ و ۳۲۳) از قول ابو غالب احمد زراری هم نقل شده است.

هارون بن موسی تلکبری خبر داده محمد بن عثمان پیش از مرگ به جانشینی حسین بن روح وصیت کرد (همان، ۶۷۹). تلکبری از اصحاب ثقه و مورد اعتماد ائمه بود و او را «عظیم المنزله، ثقه عدیم النظر» خوانده‌اند (طوسی، رجال، ۲۴۹). او معاصر شیخ صدوق و شاگرد کشی بود که در بغداد می‌زیست. شیخ طوسی از دو استادش شیخ مفید (د ۴۱۳ ق / ۱۰۲۲ م) و حسین بن عبید الله غضایری (د ۴۱۱ ق / ۱۰۲۰ م) خبری نقل کرده که در مورد قاسم بن علاء، نماینده امام دوازدهم (ع) در شهر اران^۱ آذربایجان است و توقیعات امام ابتدا به وسیله محمد بن عثمان سپس به وسیله حسین بن روح به دست او می‌رسید. (الغیبه، ۳۱۵-۳۱۰). خبری دیگر تنها از شیخ مفید با همان سند آورده، درباره مردی که نمایندگی ابوالقاسم حسین بن روح را قبول نداشت و حسین بن علی و جناء سعی کرد یک نمونه از کرامت‌های حسین بن روح را به او نشان دهد و به این طریق حقانیت حسین بن روح و نایب خاص بودن را برای او اثبات کند (همان، ۷-۳۱۵). از حسین بن عبید الله غضایری^۲ نیز به تنهایی مطالبی با لفظ اخبرنی آورده است از جمله درخواست شلمغانی از حسین بن روح برای مباحثه (همان، ۳۰۷).

همان طور که پیش از این ذکر شد شیخ طوسی در کتاب الغیبه مطالب بسیاری از ابن نوح سیرافی آورده است. این مطالب گاهی به صورت مستقیم و گاه به واسطه حسین بن ابراهیم قمی است. از جمله روایاتی که با کلمه قال از ابن نوح آورده است:

- توقیع امام دوازدهم (ع) بر ضد شلمغانی در سال ۳۱۲ به وسیله حسین بن روح (همانجا).

- خبر از مردی در قم که فرزندش را انکار می‌کرد و حسین بن روح فرزند او را تأیید کرد و نامش را محمد گذاشت (همان، ۳۰۸).

- درخواست فرزند از طرف علی بن حسین پدر شیخ صدوق توسط حسین بن روح از امام (ع) (همانجا).

- آوردن نوجوانی لال نزد حسین بن روح و درخواست شفای او از امام (همان، ۳۰۹).

- این که حسین بن روح نزد موافق و مخالف از عاقل‌ترین مردم بود و تقیه می‌کرد (همان،

۱. اران در همسایگی آذربایجان قرار دارد و رود ارس مرز میان آنهاست. شهرهای غرب و شمال ارس متعلق به اران و شهرهای شرقی جزو آذربایجان است. از جمله شهرهای آن گنجه است (یاقوت، ۱/۱۳۶).

۲. حکم حسین بن عبید الله غضایری را نافذتر از حکم پادشاهان دانسته‌اند. او با غلو مبارزه می‌کرد و از آثارش الرد علی الغلاة و المفوضه و يوم غدیر و عدد الائمة است (زرکلی، ۲/۲۴۳).

(۳۸۴).

- اعتراف ابو سهل نوبختی به صفت رازداری حسین بن روح به گونه‌ای که اگر امام (ع) زیر لباسش باشد و با قیچی او را تکه تکه کنند فاش نخواهد کرد (همان، ۳۹۱).

- شیخ طوسی مطالبی را از ابن نوح به واسطه حسین بن ابراهیم قمی با لفظ «اخبرنی» آورده است. ممکن است طوسی خود این مطالب را در کتاب *اخبار السککاء الاربعه* ابن نوح ندیده و یا ابن نوح در کتابش این موضوعات را نیاورده و در جای دیگر بیان کرده است. از جمله:

- حسین بن روح کتاب تکلیف شلمغانی را خواند و اظهار کرد چیزی بر خلاف روش اهل بیت در آن نیست مگر دو یا سه جا که بر ائمه دروغ بسته است (همان، ۴۰۹).

- مطالب مربوط به حلاج و شلمغانی و این که شلمغانی مطالب کفرآمیز می‌گفت و به حسین بن روح منسوب می‌کرد تا اینکه حسین بن روح متوجه شد و بنی بسطام را سرزنش کرد (همان، ۴۰۳).

- در مورد جانشینی حسین بن روح شک وجود داشت و فکر می‌کردند جعفر بن متیل جانشین محمد بن عثمان خواهد شد (همان، ۳۶۹).

- محمد بن عثمان در آخر عمر به ابو عبدالله جعفر بن محمد مدائنی دستور داد اموال امام را به حسین بن روح بسپارد و اعلام کرد او را به جای خود منصوب کرده است (همان، ۸-۳۶۷).

راوی بسیاری از مطالب ابن نوح، ابو نصر هبه الله بن محمد نوه دختری نایب دوم محمد بن عثمان، معروف به ابن برینه است (ر. ک. طوسی، *الغیبه*، ۲۹۴، ۳۶۳، ۳۸۶). هبه الله بن محمد^۱ (د سده پنجم / یازدهم) که ارتباط نزدیکی با نایب اول و دوم داشته کتاب *اخبار العمریین ابی عمر و ابی جعفر* را در مورد این دو نایب نوشته است و همین طور اطلاعاتی در مورد حسین بن روح (همان، ۳۸۶) به ویژه ارتباط او با شلمغانی (همان، ۹-۴۰۸) داشته است

۱. در مورد هبه الله اخباری گوناگون وجود دارد؛ برخی او را زیدی مذهب دانسته اند که در مجلس ابوالحسن بن شیبه علوی زیدی مذهب حاضر می‌شد و کتابی برای او نوشت و در آن امامان را سیزده تن ذکر کرد او زید بن علی بن حسین را امام دانسته است و دلیل آن حدیثی از کتاب سلیم بن قیس هلالی است که ائمه را دوازده تن از نسل علی (ع) دانسته است (خوئی، ۲/ ۲۷۶). علامه شوشتری در *قاموس الرجال* (۱۰/ ۴۹۹) این اعتقاد او را رد کرده و آورده است ظاهراً او مردی امامی غیر ورع بوده و می‌خواست از ابن شیبه زیدی دلجویی کند که زید را جزو ائمه شمرده است و زیدی نبوده زیرا زیدیان امام سجاد و امامان بعد آن حضرت را قبول ندارند و شرط امامت را خروج با شمشیر می‌دانند.

و به علت رفت و آمد مادرش ام کلثوم دختر نایب دوم با خاندان بنی بسطام که از پیروان شلمغانی بودند، آگاهی‌های گسترده‌ای درباره شلمغانی داشته است (همان، ۵-۴۰۳). مواردی نیز دیده می‌شود که شیخ طوسی خود با کلمات «قال» و «روی» (همان، ۶-۳۸۴) از ابونصر هبه الله نقل کرده است، از آن جمله درباره اخلاق خوش حسین بن روح و این که هرگاه ده نفر نزد او می‌رفتند که نه نفر مخالف و یک نفر موافق بودند هنگام بازگشت کار برعکس می‌شد (همان، ۳۸۶).

جدول ۲. حسین بن روح در منابع کلامی و حدیثی امامیه

ردیف	نویسنده	تاریخ وفات	نام کتاب	مطالب مربوط به نیابت و حسین بن روح
۱	کلینی	۳۲۹ ق/ ۹۴۰ م	الکافی	از ابو عمر و عثمان بن سعید و پسرش یاد کرده، بدون این که به نایب بودن آنها بپردازد.
۲	نعمانی	حدود ۳۶۰ ق/ ۹۷۰ م	الغیبه	اشاره دارد که نایبان در دوران غیبت صغری واسطه امام و مردم بودند ولی نامی از آنها نمی‌برد.
۳	صدوق	۳۸۱ ق/ ۹۹۹ م	کمال‌الدین و علل الشرایع	۱. ذکر توفیعات امام دوازدهم ۲. حسین بن روح نایب سوم ۳. وصیت محمد بن عثمان به حسین بن روح ۴. کمک‌های ابن روح به شیعیان ۵. نمونه‌هایی از کرامات ابن روح ۶. وفاداری شدید ابن روح به امام.
۴	شیخ مفید	۴۱۳ ق/ ۱۰۲۲ م	المسائل الصاغانیه و الفصول العشره	۱. سخنان حسین بن روح از امام است ۲. حسین بن روح تقه و سفیر امام بوده است ۳. حسد شلمغانی به حسین بن روح
۵	ابن نوح سیرافی	۴۱۵ ق/ ۱۰۲۴ م	اخبار السوکلای الاربعه	این کتاب به دست نیامده ولی شیخ طوسی مطالبی از آن را در کتاب الغیبه آورده است از جمله ۱. حسین بن روح تقه و سفیر امام ۲. توفیق امام دوازدهم (ع) بر ضد شلمغانی
۶	شیخ طوسی	۴۶۰ ق/ ۱۰۶۷ م	الغیبه	به جدول بعدی رجوع شود.

جدول ۳. منابع شیخ طوسی در کتاب الغیبه درباره حسین بن روح

ردیف	نویسنده	تاریخ وفات	با کلمه	موضوع
۱	شیخ صدوق محمد بن علی بن حسین	۳۸۱ق/ ۹۹۱م	«اخبرنی» و «اخبرنا جماعه»	۱. صحبت حسین بن روح با زن آبه ای به زبان خودش ۲. پدر شیخ صدوق و درخواست فرزند ۳. از پیش خود سخن نگفتن حسین بن روح ۴. دستور محمد بن عثمان برای تحویل اموال به حسین بن روح ۵. دستور امام به عدم جستجو از نام و مکان امام (ع)
۲	برادر شیخ صدوق حسین بن علی		«اخبرنی» جماعه»	پیشگویی حسین بن روح از شورش فرامظه
۳	ابوعبدالله احمد بن محمد بن عیاش، نویسنده کتاب/خبر الوکلاء الاربعه	۴۰۱ق/ ۱۰۱۰م	«اخبرنی» و «اخبرنا»	۱. اختفای حسین بن روح ۲. نامه دوست ابوغالب زراری و شکایت از همسر
۴	هارون بن موسی تلعبیری	۳۸۵ق/ ۹۹۵م	«اخبرنی» و «اخبرنا»	وصیت محمد بن عثمان پیش از مرگ به جانشینی حسین بن روح
۵	ابوغالب زراری	۳۶۸ق/ ۹۸۷م	«اخبرنی» جماعه»	اختلاف دوستش با همسرش و شکایت به امام (ع) توسط این روح
۶	حسین بن عبیدالله غضایری	۴۱۱ق/ ۱۰۲۰م	«اخبرنی»	۱. ارتباط حسین بن روح با قاسم بن علاء نماینده امام در اراک ۲. درخواست مباحله شلمغانی از ابن روح
۷	شیخ مفید	۴۱۳ق/ ۱۰۲۲م	«اخبرنی»	۱. ارتباط حسین بن روح با قاسم بن علاء نماینده امام در اراک ۲. شک در نمایندگی ابن روح و سعی حسن بن علی و جناب برای اثبات آن
۸	ابن نوح سیرافی نویسنده کتاب/خبر الوکلاء الاربعه	۴۱۵ق/ ۱۰۲۴م	با کلمه «قال» و «روی»	۱. توفیق بر ضد شلمغانی ۲. مردی که فرزندش را انکار می کرد ۳. شفای نوجوان لال توسط امام به واسطه حسین بن روح ۴. ابن روح عاقل ترین مردم ۵. رازداری ابن روح

۹	حسین بن ابراهیم از ابن نوح	«اخبرنی»	۱. خبر از کتاب تکلیف شلمغانی ۲. مطالب مربوط به حلاج و شلمغانی و کفر آمیز بودن سخن آنها ۳. شک در مورد جانشینی حسین بن روح و ابن که جعفر بن متیبل جانشین می شود ۴. دستور محمد بن عثمان برای تحویل اموال به ابن روح
۱۰	از ایونصر هبیه الله با واسطه ابن نوح یا بدون واسطه	با کلمه «روی» و «قال»	۱. عقل حسین بن روح ۲. تقیه کردن حسین بن روح ۳. رسیدن کتاب های محمد بن عثمان ابن نوح ۴. اخلاقی نیکوی حسین بن نوح

در کتاب های حدیثی و کلامی شیعه پس از شیخ طوسی همین مطالب کم و بیش نقل شده است.

از دو جدول بالا می توان نتیجه گرفت:

۱. کلینی و نعمانی که معاصر ابن روح بوده و کتاب خود را در زمان حیات او نوشته اند، نامی از حسین بن روح به عنوان نایب امام نمی برند.

۲. شیخ صدوق (که در نوجوانی حسین بن روح را درک کرده بود) ابن روح را نایب سوم امام دوازدهم ذکر کرده و ویژگی های مثبت و کرامت های او را آورده است.

۳. شیخ طوسی مفصل ترین اخبار را در مورد ابن روح آورده و از کتاب هایی که امروز در دست نیست استفاده کرده است.

۴. در زمان شیخ طوسی راویان متعددی اخبار مربوط به حسین بن روح را نقل می کردند. طوسی بسیاری از مطالب را با لفظ «اخبرنی جماعه» و یا «اخبرنا» و «روی» و «قال» آورده است.

تاریخ های اهل بیت

از جمله منابع دیگری که گاه به حسین بن روح پرداخته اند، آثار مربوط به اهل بیت (ع) است که شامل زندگینامه، فضایل و مناقب ائمه می شود. از قدیمی ترین نوشته های به دست آمده

مربوط به زندگانی ائمه (ع)، کتاب *تاریخ اهل البیت* از مؤلف یا نویسندگانی ناشناخته است که فصل هفتم آن به ابواب پیامبر و ائمه پرداخته و نام ابواب امام دوازدهم را هم ذکر کرده و سومین نایب را حسین بن روح نمیری دانسته است (*تاریخ اهل بیت*، ۱۵۱). این کتاب توسط آقای حسینی جلالی منتشر شده و تاریخ تألیف آن سده دوم و سوم ذکر گردیده است و به نصر بن علی جهضمی (د ۲۵۰ ق)، امام رضا (ع) (ق ۲۰۲)، احمد بن محمد فاریابی (سده ۳ ق)، ابن ابی الثلج (۳۲۲ یا ۳۲۵ ق)، ابن خشاب (د ۵۶۷ ق) و خصیبی (۳۵۸ ق) منسوب است (همان، ۵۱). اما حسینی این انتساب‌ها را رد می‌کند. آنچه مسلم است با توجه به ذکر نواب اربعه و تاریخ مرگ علی بن محمد سمري (د ۳۲۹ ق) این کتاب باید بعد از سال ۳۲۹ ق نوشته شده باشد یا اینکه مطالب مربوط به نواب بعدها به آن اضافه شده باشد. به علت اینکه نویسنده یا نویسندگان این کتاب و تاریخ تألیف آن دقیقاً مشخص نیست، نمی‌توان ذکر نام نواب را در این کتاب دلیل وجود اعتقاد به نواب اربعه در سده دوم و سوم دانست، زیرا در این سده‌ها هنوز نیابت حسین بن روح (ن ۳۰۴-۳۲۶ ق) و علی بن محمد سمري (ن ۳۲۶-۳۲۹ ق) آغاز نشده بود.

کتاب دیگری به نام *تاریخ الائمة* توسط کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در سال ۱۴۰۶ ق منتشر شده که نویسنده آن ابن ابی الثلج الکاتب البغدادی (د ۳۲۲ یا ۳۲۵ ق) است. در این کتاب نیز نام حسین بن روح به عنوان جانشین محمد بن عثمان آمده است (ابن ابی الثلج، ۳۴). مطالب این کتاب با *تاریخ اهل البیت* شباهت بسیار دارد و به نظر می‌رسد هر دو یکی باشد. نکته قابل توجه اینکه در هر دو کتاب به حسین بن روح، نسبت نمیری داده‌اند در حالی که هیچ یک از منابع مورد مطالعه چنین نسبتی به او داده نشده است. این نسبت مربوط به محمد بن نصیر نمیری است که در منابع شیعه مدعی باییت و ملعون خوانده شده است (طوسی، الغیبه، ۳۹۸). کتاب *هدایه الکبری* اثری دیگر از سده چهارم هجری است که اختصاص به زندگی و بیان معجزات پیامبر و ائمه دارد. حسین بن حمدان خصیبی (د ۳۵۸ ق) نویسنده آن که تقریباً معاصر ابن روح بوده است ابواب ائمه را مطرح و از محمد بن نصیر نمیری به عنوان باب امام عسکری یاد می‌کند (خصیبی، ۳۲۲). خصیبی از عثمان بن سعید عمری و فرزندش محمد بن عثمان نام می‌برد که اموال مردم را دریافت می‌کردند (همان، ۳۹۱) ولی نامی از ابن روح نمی‌برد. خصیبی از پیروان فرقه نصیرییه است که محمد بن نصیر نمیری را باب امام

دوازدهم دانسته و به نیابت نواب اربعه اعتقادی نداشتند (ر. ک صفری فروشانی، ۱۵-۴۶). از آثار مهمی که در تاریخ ائمه نوشته شده *الارشاد* شیخ مفید (د ۴۱۳ ق) است. مفید در این کتاب نامی از نواب از جمله حسین بن روح نیاورده است. البته او در آثار دیگرش که به آن اشاره شد، در مورد ابن روح مطالبی آورده است. محمد بن حسن فتال نیشابوری (د ۵۰۸ ق) نویسنده دیگری است که کتاب *روضه الواعظین* را درباره زندگی پیامبر و ائمه (ع) نوشت. در این کتاب به چهار نایب امام دوازدهم اشاره شده و نام حسین بن روح به عنوان جانشین محمد بن عثمان ثبت شده است (ص ۲۶۶). در سده ششم هجری طبرسی (د ۵۴۸ ق) کتاب *اعلام الوری باعلام الهدی* را نوشت و در آن به زندگانی چهارده معصوم پرداخت و به جانشینی و تاریخ درگذشت ابن روح در دوران غیبت صغری اشاره کرد (۲۶۰/۲). طبرسی در کتاب دیگرش *تاج الموالید*، تاریخ تولد و درگذشت چهارده معصوم را آورده و دوران غیبت صغری، تعداد نواب خاص و بیست و یک سال سفارت نایب سوم را مطرح کرده است (ص ۶۶-۶۸). طبرسی در کتاب *احتجاج* هم به نواب اربعه و نیابت حسین بن روح (۲۹۷/۲)، پاسخ ابن روح در مورد قاتل امام حسین (۲۸۵/۲) و توقیع لعن شلمغانی (۲۹۰/۲) پرداخته است. ابن حمزه طوسی (د ۵۶۰ ق) در کتاب *المناقب فی المناقب* سه کرامت از ابن روح نقل کرده است (ابن حمزه، ۶۰۱ و ۶۰۲ و ۶۰۳). در کتاب *الخرائج و الجرائح* راوندی (د ۵۷۳ ق) که درباره معجزات پیامبر و ائمه (ع) نوشته شده، چهار صفحه (۱۱۲۴/۳-۱۱۲۷) به ابن روح اختصاص یافته است. وصیت نایب دوم به ابن روح، صحبت با زبان آبه ای، درخواست مباحله شلمغانی از ابن روح و کرامت‌هایی از او در این کتاب آمده است. از کتابهای مشهور موجود درباره فضایل اهل بیت کتاب *مناقب آل ابی طالب* تألیف ابن شهر آشوب مازندرانی (د ۵۸۸ ق) است که به ذکر مناقب و سیره پیامبر اکرم و ائمه پرداخته است. در این کتاب روایتی از حسین بن روح در مورد علت برتری فاطمه (س) نسبت به فرزندان دیگر پیامبر (ص) آمده است (۱۰۵/۳). ابن شهر آشوب افراد مورد وثوق، اصحاب و وکلاء امام حسن عسکری را ذکر کرده و باب آن حضرت را تنها حسین بن روح شمرده است (۵۲۵/۳). البته با توجه به تاریخ رحلت امام حسن عسکری (ع) (۲۶۰ ق/۸۷۳ م) و تاریخ درگذشت حسین بن روح (۳۲۶ ق/۹۳۷ م) پذیرش این خیر مشکل است. احتمالاً او از پیروان امام حسن عسکری (ع) بوده است و در همین ایام از آن حضرت روایت کرده است (همان، ۵۲۷/۳). کتاب دیگر در زمینه زندگانی

چهارده معصوم کشف النعمه فی معرفه الائمة علی بن عیسی اربلی (د ۶۹۲ ق) است. اربلی ذیل عنوان «سفرء صاحب الزمان» به چهار نایب امام پرداخته و درباره حسین بن روح به جانشین شدن او به نص محمد بن عثمان و تاریخ درگذشت او اشاره کرده (۳۳۸/۳) سپس توقیعات را آورده است.

در کتاب‌های زیارت و ادعیه هم از حسین بن روح مطالبی نقل شده است. در مزار محمد بن مشهدی (د ۶۱۰) که نماز (۱۹۹) و دعاهایی (۲۰۳) از او نقل شده است و در کتاب الاقبال (۱۸۳/۳) سید بن طاووس (د ۶۶۴ ق) نیز مطالبی درباره او آمده است.

بر اساس آنچه ذکر شد، در آثار مربوط به زندگی اهل بیت (آثار سده‌های چهارم و پنجم) فقط به نیابت و یا تاریخ مرگ ابن روح پرداخته شده و در کتابهای مربوط به معجزات (آثار سده ششم) در کنار معجزاتی که از ائمه مطرح شده به کرامت‌های ابن روح هم اشاره شده است ولی در این آثار مطالبی بیشتر از آنچه شیخ صدوق و شیخ طوسی آورده‌اند دیده نمی‌شود.

کتاب‌های فرق

در کتاب‌های فرق نخستین، چون دو کتاب المقالات و الفرق قمی (د ۳۰۱ ق/ ۹۱۳ م) و فرق الشیعه حسن بن موسی نوبختی (د ۳۱۰ ق/ ۹۲۲ م) که نویسندگان آن شیعه بوده و در آغاز غیبت صغری می‌زیستند نامی از نواب اربعه نیامده است. احتمالاً به این دلیل که امامیه سیاست تقیه در پیش گرفته بودند. نیز در کتاب المقالات الاسلامیین ابوالحسن اشعری (د ۳۲۴ ق/ ۹۳۵ م)، از نخستین کتاب‌های فرق شناسی اهل سنت که نویسنده آن معاصر حسین بن روح بوده نامی از حسین بن روح نیامده است. در کتاب‌های بعدی فرق اهل سنت چون الفرق بین الفرق عبدالقاهر بغدادی (د ۴۲۹ ق/ ۱۰۳۷ م) که نام فرقه اثنی عشریه و عقاید آنها ذکر شده (۴۷/۱) و به فرقه عزاقریه که توسط حسین بن روح رسوا شدند هم پرداخته (همان، ۲۴۱/۱) و کتاب الملل و النحل شهرستانی (د ۵۴۸/ ۱۱۵۳)^۱ و کتاب اعتقادات فرق المسلمین و المشرکین ابوعبدالله محمد رازی (د ۶۰۶/ ۱۲۰۹)^۲ نیز به حسین بن روح و نواب اشاره نشده است. به

^۱ . شهرستانی از فرقه اثنی عشریه و اسامی دوازده امام (۱۶۹/۱) و از رجال مشهور شیعه چون ابوسهل نوبختی (همان، ۱۹۱/۱) یاد کرده ولی از نواب نام نبرده است.

^۲ . رازی به اعتقادات امامیه و اثنی عشریه پرداخته است (۵۶/۱) اما از نواب مطلبی ندارد.

نظر می‌رسد کتاب‌های فرق به این علت به نواب نپرداخته‌اند که فرقه‌ای به نام و در ارتباط با آنها وجود ندارد.

شرح حال‌ها و رجال

در کتاب‌های رجالی شیعه و اهل سنت اشاراتی به حسین بن روح شده است. محمد بن عمر کشی که در نیمه اول سده چهارم هجری می‌زیست، کتابی به نام *معرفة الناقلین عن الأئمة الصادقین* نوشت. اصل این کتاب از بین رفته ولی گزیده آن تحت عنوان *اختیار معرفة الرجال* که توسط شیخ طوسی فراهم آمده، باقی مانده است. در این کتاب به مطالبی چون اجازه خواستن احمد بن اسحاق از حسین بن روح برای حج (۸۳۱/۲) اشاره شده است. در *رجال نجاشی* (د ۱۰۵۸/۴۵۰) هم در ذیل علی بن حسین، پدر شیخ صدوق، از حسین بن روح یاد شده که به وسیله او نامه امام دوازدهم (ع) به علی بن حسین رسید (نجاشی، ۲۶۱). نیز به حسادت محمد بن علی شلمغانی به حسین بن روح اشاره شده است (۳۷۸). کشی و نجاشی مستقلاً به حسین بن روح نپرداخته‌اند در حالی که نجاشی شاگرد ابن نوح سیرافی نویسنده کتاب *اخبار الوكلاء اربعه* بود و ابن نوح درباره کتاب‌هایش به او سفارش کرده بود (خوئی، ۷/۶۷).

شیخ طوسی (د ۱۰۶۷/۴۶۰) در دو کتاب رجالی خود؛ *الفهرست* و *رجال* از حسین بن روح نامی نمی‌برد در صورتی که در کتاب *الغیبه* بسیار به او پرداخته است و در کتاب *الفهرست* (۲۲۴) تنها از شلمغانی یاد کرده است. در *خلاصه الاقوال* علامه حلی (د ۷۲۶/۱۳۲۵) برای عثمان بن سعید و محمد بن عثمان عنوان خاصی اختصاص داده شده ولی این کار برای حسین بن روح صورت نگرفته است. مطالبی که در این کتاب درباره ابن روح آمده است شامل: فرزند خواستن پدر صدوق (حلی، ۱۷۹)، وصیت کردن محمد بن عثمان به حسین بن روح (همان، ۲۵۰)، دستور محمد بن عثمان در حضور بزرگان شیعه چون ابو علی بن همام و ابو سهل نویختی برای رجوع به او در امور مهم (همان، ۴۳۲) و توقیع امام دوازدهم در لعن مدعیان نیابت به دست ابوالقاسم حسین بن روح نویختی (همان، ۴۳۳) است. در کتاب‌های رجالی دوره‌های بعد همچون ابن داود حلی (د ۷۴۰ ق/ ۱۳۳۹ م) به درخواست فرزند علی بن بابویه توسط حسین بن روح از امام دوازدهم (ع) اشاره شده است (ابن داود، ۱۳۷). در هیچ

یک از این کتاب‌ها عنوان خاصی به او اختصاص داده نشده است احتمالاً به این دلیل که این آثار مربوط به راویان احادیث است و حسین بن روح از روات حدیث نبوده است و اشاراتی که به او شده است ضمن مطالب مربوط به افراد دیگر یعنی محدثین بوده است.

در کتاب‌های رجال و شرح حال‌های سده‌های چهارم، پنجم و ششم اهل سنت نام ابن روح نیامده است.^۱ در شرح حال‌های رجال بغدادی چون *تاریخ بغداد* خطیب بغدادی (د ۴۶۳ ق) و *ذیل تاریخ بغداد* ابن نجار (د ۶۴۳ ق) و *المستفاد من ذیل تاریخ بغداد* ابن دمیاطی (د ۷۴۹) نامی از حسین بن روح نیامده است. همان گونه که گذشت ابن خلکان در *وفیات الاعیان* (۲/ ۱۵۵) آورده است امامیه او را «باب» گویند و ذهبی در کتاب *سیر اعلام النبلاء* (۱۵/ ۲۲۲) در ذیل عنوان «باب» و صفدی در کتاب *الوفی بالوفیات* در ذیل «ابوالقاسم الشیعی الحسین بن روح» (۲۲/ ۲۲۶) اختصاصاً به حسین بن روح پرداخته‌اند که در بحث منابع تاریخی به آن اشاره شد.

نتیجه گیری

قدیمی ترین منبع تاریخی که مورد بررسی این پژوهش قرار گرفته و درباره حسین بن روح سخن گفته، صولی (د ۳۵۶ ق/ ۹۶۷ م) است که با او معاصر بوده است. در این کتاب نمایندگی امام دوازدهم (ع) و حتی شیعه بودن او با تردید مطرح گردیده است. در کتاب *صله تاریخ طبری* از عریب بن سعد (د ۳۷۰ ق/ ۹۸۰ م) ضمن نقل مطالب مهمی درباره حسین بن روح به نیابت او اشاره شده است. در کتاب *تجارت الامم* ابن مسکویه (د ۴۲۱ ق/ ۱۰۳۰ م) از او سخنی به میان نیامده است. بر این اساس در منابع تاریخی سده های چهارم و پنجم موضوع نیابت او مطرح نبوده است. اما در منابع تاریخی سده هفتم - دوره ضعف خلافت عباسی - این موضوع به گستردگی مطرح شده است. ابن اثیر (د ۶۳۰ ق/ ۱۲۳۲ م) به وضوح اظهار داشته است که حسین بن روح پس از محمد بن عثمان جانشین او شد. مورخ دیگر سده هفتم که گرایش شیعی نیز داشته یعنی ابن ابی طی (د ۶۳۰ ق/ ۱۲۳۲ م) چند صفحه در مورد حسین بن روح

۱. نه در کتابهای *ضعفا چون الکامل فی ضعفاء الرجال* ابن عدی (د ۳۶۵) و *ضعفاء ابونعیم* (د ۴۳۵) و نه در کتاب‌های ثقات چون *کتاب الثقات* ابن حبان (د ۳۵۴) و *تاریخ اسماء الثقات* عمر بن شاهین (د ۳۸۵)؛ *اکمال الکمال* ابن ماکولا (د ۴۷۵) هم از ابن روح نام نمی برد در حالی که از کلینی به عنوان فقیه و مصنف (۱۸۶/۷) یاد کرده است. در واقع این کتاب ها مخصوص رجال حدیث است.

نوشت که مورد استفاده نویسندگان بعدی اهل سنت چون ذهبی و صفدی قرار گرفت. در این منابع اطلاعات گسترده ای از حسین بن روح وجود دارد و او باب امام دوازدهم، رسوا کننده شلمغانی معرفی شده و از عظمت او یاد شده است.

منابع حدیثی و کلامی معاصر با حسین بن روح چون *اصول کافی* (د ۳۲۹ق / ۹۴۰م) و *الغیبه نعمانی* (د ۳۶۰ق / ۹۷۰م) نامی از حسین بن روح نبرده اند. به نظر می رسد اعتقاد به تقیه بین شیعیان از یک سو و ابهامات و سوالات مهمی که پیرامون امام دوازدهم (ع) و غیبت آن حضرت وجود داشت، نیز سن امام سبب گردید تا این نویسندگان به حسین بن روح نپردازند. در نوشته های شیخ صدوق (د ۳۸۱ق / ۹۹۱م) و شیخ مفید (د ۴۱۳ق / ۱۰۲۲م) که در عصر آل بویه می زیستند، به موضوع نیابت او پرداختند. در همین دوره دو اثر اختصاصی در باره نواب نوشته شد؛ یکی توسط ابو عبدالله احمد بن محمد بن عیاش و دیگری از ابن نوح سیرافی که هر مفقودند.

بیشترین مطالب درباره حسین بن روح توسط شیخ طوسی به دست ما رسیده است که مطالب متنوعی را از روایانی متعدد در باره او گزارش کرده است. کتاب های فرق شیعه و سنی به حسین بن روح نپرداخته اند. در کتاب های رجال شیعه مطالبی اندک در باره او آمده است. این در حالی است که در آثار رجالی اهل سنت از سده هفتم به بعد ز او یاد شده است.

کتابشناسی

آقا بزرگ طهرانی، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، دارالاضواء، بیروت، ۱۹۸۳ م.
ابن ابی الثلج (الکاتب البغدادی)، *تاریخ الأئمه (المجموعه)*، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی، قم، ۱۴۰۶ ق.

ابن اثیر، *الکامل فی التاریخ*، دار صادر للطباعه و النشر، بیروت، ۱۳۸۶ / ۱۹۶۶.
ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی، *المنتظم فی التاریخ الامم والملوک*، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۲ م.
ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، *الثاقب فی المناقب*، تحقیق نبیل رضا علوان، موسسه انصاریان للطباعه و النشر، ۱۴۱۲.

ابن خلکان، شمس الدین احمد، *وفیات الاعیان و انباء انباء الزمان*، تحقیق احسان عباس، دارصادر، بیروت، بی تا.

- ابن داود حلی، حسن بن علی، رجال ابن داود، تحقیق و تقدیم محمد صادق آل بحر العلوم، منشورات مطبوعات الحیدریه، نجف، ۱۹۷۲.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابیطالب، تصحیح نخبة من اساتذہ النجف الاشرف، المكتبة الحیدریه، نجف، ۱۹۵۶ م.
- ابن عمرانی، محمد بن علی، الانباء فی تاریخ الخلفاء، به اهتمام تقی بینش، دانشگاه فروسی مشهد، ۱۳۶۲ ش.
- ابن ماکولا، اكمال فی رفع الارتیاب عن المولف والمختلف، دار الكتاب الاسلامی، قاهره، بی تا.
- ابن مسکویه الرازی، احمد بن محمد، تجارب الامم، تحقیق ابوالقاسم امامی، سروش، تهران، ۱۳۷۹ ش.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، فهرست، تحقیق رضا تجدد، بی نا، طهران، بی تا.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الاثمه، دارالاضواء، بیروت، الطبعة الثانیه، ۱۹۸۵.
- ابن ظافر ازدی، علی بن ظافر، اخبار الدول المنطقه (تاریخ الدوله العباسیه)، تحقیق محمد بن مسفر الزهرانی، مكتبة الدار، مدینه، ۱۴۰۸.
- اقبال عباس، خاندان نویختی، کتابخانه ظهوری، تهران، ۱۳۴۵.
- امین، محسن، اعیان الشیعه، تحقیق حسن الامین، دارالمعارف للمطبوعات، بیروت، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.
- انصاری، حسن، «ابن نوح»، دایره المعارف بزرگ اسلامی، جلد ۵، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- بغدادی، عبدالقاهر، الفرق بین الفرق و بیان الفرقه الناجیه، دارالافاق الجدیده، بیروت، الطبعة الثانیه، ۱۹۷۷.
- تاریخ اهل البیت، تحقیق محمدرضا الحسینی، مؤسسه آل البیت علیم السلام لاحیاء التراث، قم، ۱۴۱۰ ق.
- تستری، محمد تقی، قاموس الرجال، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۹.
- حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبیت امام دوازدهم (ع)، ترجمه سید محمد تقی آیت اللهی، سپهر، تهران، ۱۳۶۷.
- حلی، حسن بن یوسف، خلاصه الاقوال، تحقیق الشیخ جواد القیومی، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۷.
- خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایه الکبری، مؤسسه البلاغ للخطابه و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۹۹۱ م.
- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۹۷.
- خوئی، ابوالقاسم، معجم الرجال الحدیث وتفصیل طبقات الرواه، الطبعة الخامسه، ۱۹۹۲.
- ذهبی، محمد ابن احمد، تاریخ الاسلام، تحقیق عمر عبد السلام تدمری، دار الكتاب العربی،

بيروت، ١٤٠٧ / ١٩٨٧.

_____ سير اعلام النبلاء، تحقيق شعيب الارنؤوط و ابراهيم الزبيق، مؤسسه الرساله، بيروت، ١٩٩٣.

_____ دول الاسلام، مؤسسه الا علمي مطبوعها، بيروت، ١٩٨٥.

_____ العبر في خير من غير، تحقيق فواد سيد، بي نا، كويت، ١٩٦١.

_____ رازي، محمد بن عمر، اعتقادات فرق المسلمين و المشركين، تحقيق ريتز، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤٠٢.

_____ راوندي، قطب الدين، الخرائج والجرائح، تحقيق مؤسسة الإمام المهدي (ع) بإشراف السيد محمد باقر الموحد الأبطحي، مؤسسه الامام المهدي، قم، ١٤٠٩ ق.

_____ زركلي، خير الدين، الاعلام، دارالعلم للملايين، ١٩٨٠.

_____ سيد بن طاووس، اقبال الاعمال، تحقيق جواد القيومي الاصفهاني، مكتب الاعلام الاسلامي، بي جا، ١٤١٦.

_____ شهرستاني، محمد بن عبدالكريم، الملل و النحل، تحقيق محمد سيد الكيلاني، دارالمعرفه، بيروت، بي تا.

_____ صدوق، ابوجعفر محمد، علل الشرايع، تحقيق محمد صادق بحر العلوم، المكتبه الحيدريه، نجف، ١٩٦٦.

_____ كمال الدين و تمام النعمه، تحقيق على اكبر الغفاري، مؤسسه النشر الاسلامي، قم، ١٣٦٣ ش.

_____ معاني الاخبار، تحقيق و تعليق على اكبر الغفاري، مؤسسه النشر الاسلامي، قم، ١٣٣٨ ش.

_____ صفدي، خليل، الوافي بالوفيات، تحقيق احمد الارناؤوط و تركي مصطفى، داراحياء التراث، بيروت، ٢٠٠٠.

_____ صفري فروشاني، «حسين بن حمدان خصيبي و كتاب «الهداية الكبرى»»، طلوع، ش ١٦، ١٣٨٤، ص ٤٦-١٥.

_____ صولي، محمد بن يحيى، اخبار الراضي بالله و المتقى لله او تاريخ الدوله العباسيه بين سنه ٣٢٢ الى سنه ٣٣٣ من كتاب الاوراق، تصحيح ج، هيورث. دن، مدرسه اللغات الشرقيه، لندن، ١٩٣٥.

_____ طبرسي، احمد بن علي، الاحتجاج، تعليق محمدباقر الخراسان، دارالانعمان للطباعه و النشر، نجف، ١٩٦٦.

_____ ، اعلام الوري باعلام الهدى، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث، قم، ١٤١٧ ق.

_____ ، تاج المواليد في مواليد الائمة و وفياتهم، مكتبة آيه الله العظمى المرعشي، قم، ١٤٠٦ ق.

طوسی، محمد بن الحسن، *اختیار معرفه الرجال المعروف برجال الکشی*، تصحیح و تعلیق حسن المصطفوی، دانشگاه مشهد، مشهد، ۱۳۴۸.

_____ *تهذیب الاحکام*، تحقیق و تعلیق حسن الموسوی الخراسان، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۴.

_____ *رجال الطوسی*، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۵ ق.

_____ *الفهرست*، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، موسسه النشر الفقاهه، قم، ۱۴۱۷.

_____ *کتاب الغیبه*، تحقیق عبدالله الطهرانی و علی احمد ناصح، المعارف الاسلامیه، قم، ۱۴۱۱ ق.

_____ *مصباح المتهدج*، موسسه فقه الشیعہ، بیروت، ۱۹۱۱.

فتال النیشابوری، *ابوجعفر محمد، روضه الواعظین*، تحقیق و تقدیم محمد مهدی السید حسن الخراسان، منشورات الرضی، قم، بی تا

قرطبی، عریب بن سعد، *صله تاریخ الطبری*، موسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، بی تا.

کتبی، محمد بن شاکر، *فوات الوفیات*، تحقیق علی محمد بن یعوض الله و عادل احمد عبر الموجود، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۲۰۰۰ م.

کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تصحیح و تعلیق علی اکبر الغفاری، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۶۳ ش.

محمد بن مشهدی، *المزار*، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، نشر القیوم، قم، ۱۴۱۹.

مسعودی، علی بن الحسین، *التنبیه والاشراف*، دار صعب، بیروت، بی تا.

_____، *مروج الذهب ومعادن الجوهر*، تحقیق محمد محیی الدین عبدالحمید، دارالفکر، ۱۹۸۹ م.

مفید، محمد بن محمد، *اوائیل المقالات*، تحقیق الشیخ ابراهیم الانصاری، دارالمفید للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۹۹۳.

_____ *کتاب الارشاد*، تحقیق موسسه آل البيت (ع) لتتحقیق التراث، ۱۹۹۳.

_____ *الفصول العشره فی الغیبه*، تحقیق الشیخ فارس حسون، دارالمفید للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۹۹۳.

_____ *لمسائل الصاغانیه*، تحقیق السید محمد القافی، دارالمفید للطباعه و النشر و التوزیع، بیروت، ۱۹۹۳.

- نجاشی، احمد بن علی، *رجال النجاشی*، مؤسسه النشر الاسلامیه، قم، ١٤١٦.
- نعمانی، محمد بن ابراهیم، *کتاب الغیبه*، تحقیق فارس حسون کریم، مهر الانوار الهدی، قم، ١٤٢٢.
- یاقوت حموی، شهاب الدین، *معجم البلدان*، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ١٩٧٩ م.
- Klemm, Verena, "ISLAM IN IRAN ix. THE DEPUTIES Of MAHDI".iranicaonline.org/articles/. Retrieved March 2011.
- Sachedina, Abdulaziz Abdulhussein, *Islamic messianism: the idea of Mahdī in twelver Shīism*, state University of Newyork Press,Albany,1981.